

خواجه نصیرالدین طوسی؛ فیلسوف یا متکلم؟!

با حضور کارشناسان محترم:



محمدصفر جبرئیلی: خواجه نصیرالدین طوسی فیلسوف متکلم و مجتهد بود

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران بیان کرد: خواجه نصیرالدین طوسی یک فیلسوف مجتهد و حر بود.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران بیان کرد: خواجه نصیرالدین طوسی یک فیلسوف مجتهد و حر بود. معتقدم قبل از خواجه کلام فلسفی را نویختن تأسیس کردند و خواجه این کلام فلسفی را به اوج رساند و به ما نشان داد و اگر نبود خدمت خواجه نصیر در این عرصه، ما امروز کلامی نداشتیم که برخی استادان مؤسسه کلامی درست کنند و بنده به تدریس کلام بپردازم.

ارسال/ خواجه نصیر طوسی فیلسوف متکلم و مجتهد بوده گزارش اینکنا، نشست علمی «خواجه نصیرالدین طوسی؛ فیلسوف یا متکلم؟!» پنجم اسفندماه از سوی مجمع عالی حکمت اسلامی و با حضور حجج اسلام و المسلمین رضا برنجکار، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و محمدصفر جبرئیلی و عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در قم برگزار شد.

گزیده سخنان حجت الاسلام برنجکار را در ادامه می خوانیم:

نقش خواجه طوسی در کلام از حیث اینکه آیا کلام او فلسفی است یا خیر و فلسفی شدن کلام از خواجه شروع شده است یا خیر؛ اگر منظور از فلسفی شدن این است که دیدگاه های فلسفی وارد الهیات و کلام و اصول دین شود، به نظر بنده خواجه دیدگاه های متکلمان را بحث کرده است، آن هم در مواردی که بین فلاسفه و متکلمان اختلاف وجود داشته است. غزالی ۲۱ مورد اختلافی ذکر کرده است و می گوید سه مورد هم خیلی مهم است و نمی توان از آن کوتاه آمد؛ یکی علم به جزئیات، علم پیشین و پسین به جزئیات، دیگری معاد جسمانی و سوم حدوث عالم و می توان بحث ربط حادث به قدیم، حسن و قبح عقلی و ... را هم به آن افزود.

مهم ترین اختلافات بین فلاسفه و متکلمین در همین مسائل است و خواجه در این موارد حرف های متکلمان را بیان کرده است؛ مثلاً ما متکلمی نداریم که بگوید خدا کمال مطلق نیست یا واجب الوجود نیست و این جزء اجماعیات است. در بحث های اختلافی خواجه همچنان متکلم است ولی در لطیف الکلام یا دقیق الکلام که متکلمین هم آن را داشتند و امروزه به آن مباحث فلسفی کلام گفته می شود، او نظرات خود را دارد و البته به یک معنا فلسفه مشاء را در لطیف الکلام استفاده کرده است ولی در همان جا هم نظر متکلمین را دارد؛ مثلاً بحث قدرت را مطرح و اثبات می کند که فلاسفه آن را قبول نداشتند یا حدوث عالم را اثبات و هیولا را رد کرد. باز در لطیف الکلام هم اصلاحاتی کرده است تا با دیدگاه های متکلمان همسان شود ولی تقریباً همان سبک و سیاق فلسفه مشاء است.

بحث جوهر و عرض را برخی فقط قائل به عرض و برخی فقط قائل به جوهر بودند و اشتراک و اختلاف از قدیم در این عرصه وجود داشته است ولی باز آن قسمتی که می بیند با کلام در تنافی است تغییر می دهد. اگر شما از لاهیجی بپرسید با اینکه او داماد ملاصدرا بوده است محتوای فلسفه مشاء را به عنوان عقاید خود مطرح کرده است ولی خواجه واقعا تغییر ماهوی در اعتقادات کلامی نداده است و صرفاً از فلسفه مشاء در مباحث کلامی بهره برده است. بنابراین به صورت مطلق نمی توان گفت خواجه از فلسفه تاثیر نپذیرفته است ولی اینکه بگوییم محتوای کلام او فلسفی شده است در جلیل الکلام حرف درستی نیست گرچه در لطیف الکلام از آن بهره برده است.

متکلم در کلام دنبال دفاع از دین است نه ارائه حدث علمی و تفننی و واقعا خیلی از علما که فیلسوف هستند مانند خواجه بهترین کتاب فلسفی را نوشته است ولی در اعتقادات، کلامی است و از فلسفه برای دفاع از دین بهره برده اند؛ عمده علمای ما اینطور نبودند که کاری به دین نداشته باشند و بخواهند بحث فلسفی کنند. خواجه فیلسوف بوده است و درس داده و چقدر کتب فلسفی نوشته ولی اعتقادات او کلامی بوده است. ایشان در کلام بیش از ۳۰ و در فلسفه بیش از ۶۰ کتاب دارد و نه فقط در این دو علم و شاید در ۱۸ علم او متخصص بوده است و ۲۲۳ کتاب در این ۱۸ علم نگارش کرده است که از آن جمله می توان به پزشکی، هیئت، ریاضیات، فلسفه، منطق، تعلیم و تربیت، رمل، معدن شناسی، فقه، تفسیر، عرفان و موسیقی و ... اشاره کرد.

۳۳ کتاب ایشان در کلام است که یکی تجرید است که ۲۰۰ شرح و حاشیه بر آن نوشته شده است؛ ۷۶ کتاب فلسفی هم دارد بنابراین ایشان جامع همه علوم بوده است و درباره اعتقاد ایشان باید گفت همچنان متکلم باقی مانده است. سخنان حجت الاسلام جبرئیلی را در ادامه می خوانید:

انتخاب روز بزرگداشت خواجه نصیر طوسی به روز مهندس خیلی تناسب دارد زیرا خواجه خیلی از دانش ها را از جمله دانش کلام را مهندسی کرده است. غیر از تأسیس رصدخانه مراغه و سایر کارهایی که کرد، فهم بنده این است که ایشان ساختار علم کلام را مهندسی کرده است و ما قبلاً چنین ساختاری نداشتیم.

قیاس خواجه با غزالی و ... مع الفارق است؛ خواجه جامع منقول و معقول است و اینکه بگوییم غزالی چه گفته است و خواجه چه قیاس بدون تناسب است، گرچه غزالی هم برای خود بزرگی است که احیاءالعلوم او همچنان درخشان است، آن هم در حالی که وی استاد فلسفه ندیده بود.

نکته دیگر اینکه خواجه فیلسوف است زیرا آثار و چند شرح دارد و به جنگ فلاسفه از جمله شهرستانی، جنگ رازی و شرح اشارات رفته است، بنابراین در اینکه خواجه، فیلسوف است تردیدی وجود ندارد. خواجه قطعاً متکلم است و فقه هم بلد بوده است گرچه نمی گوییم او در عداد فقها است. بنابراین جامعیت علمی دارد.

پایه خواجه در مباحث لطیف الکلام، فلسفه مشاء است؛ خواجه مقلد نیست بلکه فیلسوف مجتهدی است و در جایی شاید حرف ابن سینا را قبول نداشته باشد کما اینکه علامه طباطبایی در مواردی حرف فلاسفه گذشته را قبول ندارد و حکیم مؤسس علی آقای زنوزی آرای تأسیسی و نقدی داشته است؛ لذا این دلیل نیست اگر کسی نقد بر گذشتگان داشت، فیلسوف نیست؛ خواجه، فیلسوف به تمام معناست، مجتهد و حر است و اجتهاد در فلسفه دارد.

خواجه در مواردی ممکن است با فلسفه سینوی و ابن سینا مخالف باشد و در مواردی با سایر فلاسفه و البته در اینکه خواجه متکلم است حتماً هیچ شکی نیست زیرا او در کلام نوآوری نگارشی دارد نه در رأی. قبل از خواجه سر ما بی کلاه بود؛ قبل از ایشان محقق حلی در مسالک آورده است که من وقتی خواستم کلام بنوسیم ماندم چه کنم و دیدم بهترین روش، روش متأخره معتزله است؛ یک فقیه و بزرگ ما چنین تصریحی دارد؛ خواجه ما را از زیر چتر معتزله بیرون آورد و این خدمت بزرگی است که کرده است؛ رساله فی الامامه هم بهترین رساله در باب فلسفه امامت است که قبل از آن نداریم.

یحیی یثربی معتقد است که این کتاب او بهترین کتاب است لذا در متکلم بودن خواجه تردیدی نداریم؛ لذا خواجه قطعاً فیلسوف است و قطعاً متکلم است.

برای بنده دین و قرآن و حدیث مهم است و هر متکلم و فیلسوفی که در دفاع از دین و قرآن سخن گفت ما به او ارادت داریم و اگر در این راستا نبود ارادتی نداریم؛ شاقول ما قرآن و حدیث است. بنابراین تأکید دارم خواجه هم فیلسوف و هم متکلم و هم متکلم و هم فیلسوف است. فهم بنده از کلام فلسفی چیز دیگری است که برخی از استادان هم به مطالب بنده ارجاع داده اند از جمله استاد ربانی.

منظور اینکه مراد بنده از کلام فلسفی این نیست که به گونه ای اعتقادات را بگوید که میانی فلسفی آن الا و لابد است. معتقدم قبل از خواجه کلام فلسفی را نوبختیان تأسیس کردند و خواجه این کلام فلسفی را به اوج رساند و به ما نشان داد و اگر نبود خدمت خواجه نصیر در این عرصه ما امروز کلامی نداشتیم که برخی استادان مؤسسه کلامی درست کنند و بنده به تدریس کلام بپردازم. خواجه در زمان خودش بهترین خدمت را به کلام کرده است و اگر این خدمت نبود، شاید کلام شیعه به فترت طولانی می رفت و احیای آن بسیار سخت بود.

کلام فلسفی در نظر بنده اثبات آموزه های اعتقادی براساس میانی و روش فلسفی است؛ خواجه با وجوب الوجود ۲۴ سفت را ثابت کرد چه سلبی و چه ایجابی و تأکید کرد پشت اعتقادات ما برهان وجود دارد لذا کلام ما را برهانی کرد.

یادمان باشد خواجه را در دوره خود بررسی کنیم یعنی زمانی که کلام اشعری پررنگ شده و این کلام جدلی است و نه برهانی؛ حتی کلام معتزله هم برهانی نیست لذا خواجه کلام ما را برهانی کرد و دست او را می بوسیم. شهید مطهری که انسان منصفی است در انسان و سرنوشت خود در دفاع از خواجه و شیخ مفید گفته است کار خواجه و شیخ مفید کامل نیست ولی در دوره خودش بهترین کار است.